

جنگ‌کودکان را رها نمی‌کند

«اعتماد» آثار جنگ 8 ساله را بررسی می‌کند

قاسم منصور آل کثیر

33 سال از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد، تلاش‌های مختلفی برای مطالعه تأثیرات آن در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس و موضوعات گسترده‌تری از روابط بین‌المللی و امنیت صورت گرفته است و تاکید بر عناصر سیاسی و نظامی جنگ به دلیل ماهیت و نتایج آن توجیه می‌شود. با این حال، تحلیل اجتماعی، حقوقی و سیاسی در مورد اینکه چگونه غیرنظامیان، به ویژه زنان و کودکان، تحت تأثیر این جنگ قرار گرفتند، هم در کوتاه مدت و هم در درازمدت، ضروری است.

جنگ تحمیلی مانند جنگ‌های جهانی و هر جنگ دیگری تأثیرات مخرب و بلندمدتی بر جامعه ایران گذاشت. آسیب‌های جانی تنها بخشی از آسیب‌ها بودند. در این جنگ زیرساخت‌های اقتصادی ایران به شدت آسیب دیده بود. به علت آسیب دیدگی زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی سطح دسترسی به آن برای کودکان ایرانی با مشکل جدی مواجه شده بود. با وجود آمدن مشکلات اقتصادی رفاه مردم ایران به خصوص کودکان دچار مشکلات جدی شد. منتقدان اعتقاد دارند برنامه‌های بازسازی جنگ تمرکز بیشتری بر بخش‌های اقتصادی داشته و آسیب دیدگان جنگ به ویژه کودکان را به ویژه از نظر روحی و روانی و کیفیت زندگی مورد توجه جدی قرار نداده است.

مینو سلیمی، کارشناس پژوهش‌کننده مردم‌شناسی در زمینه بحران از منظر انسان‌شناسی مطالب زیادی را منتشر کرده است. یکی از آخرین آثارش کتاب «مطالعه مردم‌شناختی روایت‌های زنانه از جنگ تحمیلی» است. با سلیمی در خصوص شرایط کودکان در جنگ و بعد از جنگ گفت‌وگو کرده‌ایم.

جنگ تحمیلی چه پیامدهایی برای کودکان دربر داشت؟

جنگ تحمیلی پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت برای جامعه ایران و فرزندان آن به همراه داشته است. هزاران کودک در جریان جنگ شهید و زخمی شدند. سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده عراق نه تنها کودکان را در طول جنگ تحت تأثیر قرار داد، بلکه باعث ایجاد مشکلات جسمی و روحی برای نسل‌های بعدی شد و تأثیرات ماندگاری بر جامعه ایران

گذاشت. پس از جنگ، میادین مین یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی بود که بر زندگی کودکان تأثیر گذاشت. این جنگ همچنین مانع از زندگی منظم کودکان در کودکی، برخورداری از حقوق اولیه تحصیلات و دسترسی به بهداشت و غذا شد و سلامت روانی آنها را تحت تأثیر قرار داد. بهداشت روانی و اختلالات پس از سانحه در مورد کودکانی که والدین خود را در طول جنگ از دست داده‌اند یا دارای والدینی با آسیب یا معلولیت شیمیایی هستند، بیشتر دیده می‌شود. در طول جنگ، واقعیت قربانی شدن کودکان ایرانی منجر به شناسایی، محکومیت و حمایت بین‌المللی نشد. با این حال از زمان پایان جنگ عراق و ایران، حمایت از کودکان در جنگ، در و پس از آن در دستور کار جهانی قرار دارد.

تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی در جذب و بسیج جهانی که در موضوع حقوق کودکان مانند ماده 38 کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های آن، مصوبات شورای امنیت در مورد کودکان و درگیری‌های مسلحانه، موارد مربوط به کودکان و جنگ در دادگاه کیفری بین‌المللی و برخی موارد دیگر مربوط به جرمی خاص علیه کودکان و همچنین ایجاد دفتر نماینده ویژه دبیرکل کودکان و درگیری‌های مسلحانه نیز قابل ذکر هستند که نشان دادند کودکان ایرانی در طول جنگ و حتی پس از آن از حمایت‌های مورد نظر محروم بودند.

آیا همچنان جهان شاهد ظلم علیه کودکان است و این مساله کمرنگ‌تر نشده است؟

البته به‌رغم همه این تغییرات قانونی و مکانیزمی برای حمایت از کودکان در جنگ، تشدید درگیری‌های مسلحانه، ما همچنان با ظلم‌هایی علیه کودکان روبرو هستیم.

نگاهی گذرا به گزارش‌های سالانه دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد کودکان و درگیری‌های مسلحانه، شکاف بین واقعیت و آرمان‌های حفاظت از کودکان در مناطق جنگ‌زده مانند عراق، افغانستان، یمن، سوریه و سایر کشورها این موضوع را نشان می‌دهد.

جامعه جهانی اکنون فقط در حال نشان دادن ابراز نگرانی‌های خود از اقدامات عینی آشکاری است که هر روزه علیه انسان انجام می‌شود، با وجود اینکه این يك انگیزه اخلاقی، مسوولیت قانونی و انجام تعهدات منشور در مورد صلح و امنیت بین‌المللی است.

آماري از شهادت کودکان در جنگ با عراق وجود دارد؟

یکی از ویژگی‌های اصلی جنگ ایران و عراق این بود که این جنگ فقط به مناطق مرزی محدود نمی‌شد بلکه در اثر حملات موشکی یا بمباران هوایی اماکن مسکونی، غیرنظامی، تجاری و فرهنگی به شهرها گسترش یافت که به آن جنگ شهرها می‌گفتند. با گسترش میدان نبرد به مناطق

غیرنظامی، غیرنظامیان در معرض مرگ یا جراحت، آسیب‌پذیرتر میشوند. فقط در شش ماه اول جنگ، 413 حمله علیه شهرهای ایران انجام شد و تا سال 1984، 4600 غیرنظامی شهید و بیش از 2200 نفر زخمی شدند که بسیاری از آنها کودک بودند. در این حملات به‌رغم تجویز صریح قانون بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی قانون بشردوستانه اقدامات حفاظت ویژه برای برخی از گروه‌های غیرنظامی مانند کودکان اتفاق نیفتاد.

حمله به اماکن مسکونی کرمانشاه، 17 منطقه غربی ایران، منجر به شهید شدن 131 نفر شد که بسیاری از آنها کودک بودند. در سال اول جنگ حملات دیگر به دزفول، لرستان، اهواز و سایر استان‌ها منجر به شهید شدن صدها کودک شد.

یکی از نمونه‌های بارز شهید شدن کودکان حمله به پرواز 655 مسافر ایران‌ایر توسط حمله موشکی نیروی دریایی آمریکا بود که منجر به شهادت همه 290 سرنشین شد که 66 نفر از آنها زیر 12 و 8 نفر از آنها زیر 2 سال بودند. این حمله نمونه‌ای نادر در تاریخ جنگ، نقض مرزها و قوانین اخلاقی و قانونی جنگ است.

عراق همچنین از سلاح‌های شیمیایی علیه شهرهای ایران استفاده کرد که منجر به مرگ تعداد زیادی از غیرنظامیان که بسیاری از آنها کودک هستند، شد.

به عنوان مثال در 7 تیر سال 1366، شهرستان سردشت در شمال غربی ایران از طریق انتشار گاز خردل مورد حمله شیمیایی قرار گرفت. مردم با روش‌ها و اقدامات لازم برای مقابله با این حملات آشنا نبودند. با وجود اینکه بسیاری از مردم از منطقه فرار کردند اما گزارش‌هایی در مورد ماندن مادران برای محافظت از فرزندان‌شان وجود دارد. آماري که بلافاصله پس از حمله منتشر شد، حاکی از آن است که بیشتر کسانی که جان خود را از دست داده‌اند کودکان خردسال با مشکلات تنفسی بوده‌اند. به دلیل شرایط جوی وزش باد قابل توجهی که باعث گسترش شعاع مواد شیمیایی در هوا و انتقال آنها میشود، بیمارستان‌ها نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و همین امر درمان سریع را غیرممکن می‌ساخت. در نتیجه این حمله صدها نفر شهید و بیش از 8 هزار نفر مسموم شدند.

نمونه دیگری از حمله شیمیایی حمله به روستای زرده در استان کرمانشاه در غرب ایران در تاریخ 31 تیر 1367 است. این روستا 30 درصد از ساکنان خود را از دست داد. گزارش‌های روز حمله حاکی از آن است که پنج کودک زیر 10 سال بلافاصله جان خود را از دست داده‌اند.

کودک‌انی هم که زنده مانده بودند شاهد مرگ دوستان و اعضای خانواده

خود بودند و در تمام زندگی به علت تحت تاثیر قرارگرفتن از این بمباران نتوانستند زندگی مطلوبی داشته و رنج زیستن را تحمل کردند.

حملات شیمیایی بر جسم و روح کودکان چه تاثیری داشته است؟
حملات شیمیایی علاوه بر مرگ و میر و آسیب‌های بلندمدت باعث مرگ و میر مادران باردار و سقط جنین در آنها شده است. این سقط جنین در میان زنان امروز این روستا هم رایج است که این نشان از تاثیر بلندمدت بمباران‌های شیمیایی دارد. گروهی از بازرسان سازمان ملل مشاهده وضعیت خود در پی حمله شیمیایی به شهر پیرانشهر را اینگونه شرح دادند: ما شاهد تأثیرات گاز خردل بر خانواده‌ای که در یک روستا زندگی می‌کنند، به ویژه مادر و دختران دو و چهار ساله‌اش هستیم. ما شاهد مرگ وحشتناک یک کودک چهارساله از دو ساعت قبل از مرگش بودیم.

تعداد زیادی از کودکان و زنان در حمله به سوسنگرد در استان خوزستان به شهادت رسیدند: «مادران و فرزندان‌شان را در جایی جمع کرده و بعد با تانک به سمت آنان شلیک کردند.» به‌علاوه، مواردی وجود دارد که افسران عراقی کودکان را به مناطق مین راهنمایی کرده و از آنها خواسته‌اند تا داخل آنها شوند و به این صورت بود که عراق حقوق کودکان در جنگ را نقض می‌کرد.

حمله به مدارس را می‌توان حمله به کودکان دانست؟

حمله عراق به ایران در 31 شهریور 1359، در آستانه سال تحصیلی جدید آغاز شد. زمان‌بندی شروع سال تحصیلی را مختل کرده و بار جسمی و روانی را بر دوش کشور، سیستم آموزش و پرورش و دانشجویان آن گذاشت. با این حال، این تنها تأثیر جنگ بر مدارس و دانش‌آموزان نبود. به عنوان مثال، بمباران هوایی یک مدرسه در بهبهان، در استان خوزستان، منجر به شهید شدن 69 دانش‌آموز و 5 کارمند مدرسه آنها شد. در جریان حمله به خرمشهر، حدود ۱۰۰ مدرسه و چهار بیمارستان مورد حمله قرار گرفت و تخریب شد که منجر به شهادت تعداد زیادی کودک شد.

در 1 فوریه 1987، نیروهای عراقی به دو مدرسه در میانه، در استان آذربایجان شرقی ایران حمله کردند. یکی از مدارس «زینبیه» نام داشت که در نزدیکی بیمارستان‌ها و ساختمان‌های مهم دولتی مانند ساختمان محافظ انقلابی واقع شده بود. زینبیه مدرسه مهم و شناخته شده‌ای بود زیرا دانش‌آموزان آن برای حمایت از سربازان در جبهه اقدامات مختلفی را انجام می‌دادند، از جمله؛ بافتن لباس برای سربازان، پختن غذا یا بسته‌بندی آجیل و ارسال آنها به مناطق مرزی. یکی از دلایل حمله به این مدرسه این است که نیروهای عراقی برجسبها

را دیدند و فکر کردند که زینبیه يك پایگاه نظامي است و به همین دلیل به آن حمله کردند. اما حملات متعدد آنها به مدارس در شهرهاي مختلفی مانند میانه (در این حمله 30 دانش‌آموز شهید شدند)، بروجرد (60 نفر شهید شدند)، مدرسه شهید فیاض‌بخش که مدرسه‌اي تخصصي براي ناشنوایان بود، نشان داد عراقی‌ها حقوق بین‌الملل را رعایت نمی‌کنند. حمله به مدارس تصویر وسیع‌تری از چگونگی نقض حقوق کودکان (مانند حق تحصیل) در طول جنگ را نشان می‌دهند. با پایان جنگ، عراق به 162 مدرسه در سراسر ایران حمله کرده بود و 728 نفر دانش‌آموزان را کشت و اسارت کودکان در جنگ شرایط را بر کودکان فاجعه‌بارتر کرد.

با توجه به اسارت کودکان، جنگ برای این بچه‌ها فاجعه‌بارتر شد. می‌توانید به نمونه‌اي از اسارت کودکان اشاره کنید؟

یکی دیگر از تأثیرات جنگ ایران و عراق بر کودکان ایرانی، اسیر شدن آنها به عنوان اسیران جنگی بود. عراق علاوه بر رزمندگان، غیرنظامیان ساکن در مناطق تحت حمله را نیز اسیر کرد. به عنوان مثال، کودکان و زنانی که نمی‌توانستند شهر سومار در کرمانشاه را ترک کنند، در 2 مهر 1359 اسیر شدند. به اسارت گرفتن کودکان و انتقال اجباری آنها به مناطق دیگر، برخلاف قوانین و حقوق بین‌الملل بود که البته عراق از آن تخطی کرد.

بعد از جنگ، کودکان چگونه آسیب دیدند؟

پس از جنگ، میادین مین یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی بود که بر زندگی کودکان تأثیر گذاشت. تا سال 2006، 16 میلیون مین در سه میلیون جریب زمین در سراسر ایران سالم مانده است. برخی از این میادین مین فاقد هشدارهاي کافی بودند که منجر به شهید شدن یا زخمی شدن کودکانی شد که در مزارع یا مناطق دیگر که قبلاً مناطق جنگی بودند بازی می‌کردند. به گفته مقامات ایرانی، قسمت‌هاي قابل توجهی از استان خوزستان به مین‌هاي آلوده شده است که به‌طور مکرر کودکان و جوانان را می‌کشد و آنها را معلول می‌کند. حوادث زیادی در مناطق اطراف اتفاق افتاده است. خانواده‌هاي هستند که فرزندان خود را به دلیل وجود مین‌ها از دست داده‌اند.

مینو سلیمی: کودکانی که از جنگ زنده ماندند شاهد شهادت دوستان و اعضای خانواده خود بودند و در تمام زندگی به علت تحت تأثیر قرارگرفتن از این بمباران نتوانستند زندگی مطلوبی داشته و رنج زیستن را تحمل کردند.

□□□□□□ 1400 □□□ 4 □□□□□□ □□□□□□:□□□□